

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

دانشکده علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M. A)

رشته علوم سیاسی

موضوع:

بررسی عقلانیت سیاسی شیخ هادی نجم آبادی و تأثیر آن بر

اقدامات اصلاح گرایانه نوین و تأثیر مدارس، احداث راه

آهن، مشروطه طلبی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر علی اکبر امینی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر سلطانلو

پژوهشگر:

سحر احمدی کوکنه

سال تحصیلی:

تابستان ۹۰

تقدیم به:

من این پژوهش را تقدیم می کنم به همسر عزیزم که واقعا در این سالها مشوق و پشتیبان من بوده و اگر چنین نمی بود من این موفقیت را امروز کسب نمی کردم. و سپس تقدیم می کنم به پدر عزیزم که در بین ما نیست و همیشه آرزوی دیدن چنین روزی را داشت. و تقدیم به مادر محترمم.

تشکر:

من از استاد عزیزم جناب آقای دکتر علی اکبر امینی بسیار بسیار تشکر می کنم که اگر در این راه مرا راهنمایی نمی کردند واقعا موفق نمی شدم و از دختر عزیزم نوژان تشکر می کنم که خیلی خیلی صبوری کرد و همراه من بود.

تهدنامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب سحر احمدی کوکنه دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد به شماره دانشجویی ۸۷۰۸۵۰۰۴۲۰۰ در رشته علوم سیاسی که در تاریخ ۹۰/۲/۲۴ از پایان نامه خود تحت عنوان بررسی عقلانیت سیاسی شیخ هادی نجم آبادی و تأثیر آن بر اقدامات اصلاح گرایانه نوین و تأثیر مدارس، احداث راه آهن، مشروطه طلبی باکسب نمره و درجه دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

- ۱- این پایان نامه حاصل تحقیق رو پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.
- ۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
- ۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
- ۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء:

بسمه تعالی

در تاریخ ۹۰/۲/۲۴

سحر احمدی کوکنه دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی از پایان نامه خود دفاع نموده و با نمره
به حروف و با درجه مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه.....

فصل اول : کلیات

۴.....	۱)سوالات یا فرضیه های تحقیق.....
۴.....	۲)چهار چوب نظری تحقیق.....
۵.....	۳)روش تحقیق.....
۵.....	۴)متغیرها و واژه های کلیدی.....

فصل دوم : معرفی شیخ هادی نجم آبادی فقیه روشنفکر و قرآن پژوه سیاسی

۷.....	فضای فکری و سیاسی دوران ناصری.....
۹.....	نقش رویکرد روشنفکرانه دینی در آگاهی بخشی و استبداد ستیزی.....
۱۱.....	شیخ هادی نجم آبادی کیست؟.....
۱۱.....	شخصیت شیخ هادی.....
۱۴.....	اندیشه ، تفکرات و منش شیخ هادی نجم آبادی.....

۱۴	اندیشه سیاسی شیخ هادی
۱۸	اندیشه دینی شیخ هادی
۲۰	منش اخلاقی شیخ هادی
۲۳	شیخ هادی ، جریان های سیاسی و شاگردان
۲۳	شیخ هادی نجم آبادی و فراماسونری
۲۴	شاگردان و علاقه مندان به شیخ
۲۵	نجم آبادی و انتقاد از برخی از فقها
۲۶	تفاوت روش نجم آبادی و سید جمال الدین اسد آبادی
۲۸	نجم آبادی و نهادهای تازه
۲۹	قرآن محوری
۳۰	خرد گرایی
۳۱	نقد نصوص دسته دوم و سوم
۳۲	پیرایش دین
۳۲	گذشته گرایی در اندیشه نجم آبادی

فصل سوم : بررسی فرهنگ ناسالم و غیر عقلانی دوران قاجاری

۳۵	عوامل داخلی انقلاب مشروطه در ایران
۳۵	الف . جنبش تحریم تنباکو و نقش شیخ هادی

- ب . متن فرمان امتیاز تنباکو و توتون و فرمان لغو امتیاز..... ۳۷
- عین فرمان لغو امتیاز..... ۴۰
- ج . نقش شیخ هادی نجم آبادی در جنبش تحریم تنباکو..... ۴۲
- د . واقعه قتل ناصرالدین شاه..... ۴۲
- ه . نقش حاج شیخ هادی نجم آبادی در واقعه قتل ناصرالدین شاه..... ۴۴
- و . متن بازجویی از میرزا رضا کرمانی درباره نقش شیخ..... ۴۷
- سیری در تفکر سیاسی ، مذهبی و فرهنگی مرحوم نجم آبادی..... ۵۰
- الف . شیخ هادی نجم آبادی در عرصه سیاست..... ۵۰
- ب . آقا شیخ هادی و روشنفکران عصر خود..... ۵۵
- (۱) مرحوم سید محمد طباطبایی..... ۵۶
- (۲) مرحوم علی اکبر دهخدا..... ۵۶
- (۳) ناظم الاسلام کرمانی..... ۵۶
- (۴) ملک المتکلمین..... ۵۶
- شیخ هادی و تاسیسات تمدنی جدید ایران..... ۶۱
- (۱) مدرسه خیریه..... ۶۲
- (۲) مدرسه سادات..... ۶۲
- (۳) مدرسه رشديه..... ۶۳
- (۴) بیمارستان وزیری..... ۷۴

نتیجه گیری.....۷۶

ضمیمه.....۷۹

گزیده هایی از کتاب شیخ هادی نجم آبادی و آشنایی با اندیشه های وی.....۸۰

ترجمه حاصل صاحب معظم کتاب ا نارالله برهانه.....۸۶

خداشناسی.....۹۸

نتیجه گیری.....۱۴۱

منابع و ماخذ.....۱۱۰

مقدمه

در دوران قاجاری به رغم اینکه چند قله اندیشگی و چهره نامدار بیدارگر داریم بر روی هم دوران رکود و خود اندیشگی است. در این دوران خرافه گرایی و تحجر اوج می گیرد و عقلانیت سیای در زوال می افتد.

شاهان قاجار به ویژه از نیمه دوم حکومت ناصری یا غرق در عیش و نوش و بی خبری هستند و یا غرق دریای خرافه پرستی و خیال پردازی و وهم گرایی. در این روزگار چند متفکر روشن اندیش ظهور می کنند که برای درمان دردهای کشنده ایران تلاش می کنند از جمله یکی از اینان بیدارگر روشن اندیش شیخ هادی نجم آبادی است که به تحریرالعقلا موضعگیری های درستش سعی در اصلاح امور دارد.

اگر این نکته را بپذیریم که بین خردگرایی و توسعه فراگیر و همه جانبه و یا توسعه پایدار هم پیوندی مستقیم وجود دارد در آن صورت به اهمیت اندیشه های عقل گرایانه روحانی وارسته و بیدار دل بیشتر پی می بریم و از آنجا که در زمان قاجار عقلانیت سیاسی رو به زوال گذاشته بود، تأکید بر عقلانیت، به نوعی کلید برون رفت از عقب ماندگی به شمار رفته است. شیخ هادی نجم آبادی با حلقه سید جمال الدین اسدآبادی و روشنفکران مشروطه طلب ارتباط مستقیمی داشت و همواره از اندیشه های نوین از اقدامات اصلاحگرایانه ای چون تأسیس مدرسه های جدید پشتیبانی و حمایت می کرد.

در واقع مشروطه آغاز حرکت اجتماعی نوین ملت ایران، برای رهایی از استبداد حاکم بود. این حرکت با داعیه دینی و با توجه به چگونگی و حالت اجتماعی جدید حاکم بر دنیای آن روز به ویژه دگرذیسی های غرب آغاز شد و در سرانجام خویش به شکست انجامید.

گرچه نباید دگرگونی های گسترده و شگفت انگیز غرب را در شروع مشروطیت نادیده انگاشت، اما آنچه سبب شد با وجود رویکرد به تمدن غرب ایرانیان توان نگهداری فرهنگ و زبان اصیل و ارزشهای دینی خود را بیابند عنصر ارزشمند اجتهاد در تفکر شیعه است که انگیزه همراهی مجتهدان با پدیده های نوظهور و بررسی نوآوریها براساس اصول مذهبی فکر شیعی گردیده است.

علمای مشروطه خواه خواستار مشروطه ای سازگار با آموزه های اسلامی بودند و خاستگاه مشروطه را آموزه های دینی می دانستند، از این روی در تعریف مشروطه به پیوند آن با نظریه حکومتی اسلامی اشاره کرده و از مشروطه تعریفی سازگار با آموزه های اسلامی ارائه می دادند.

در این پژوهش برآنیم تا دیدگاهی متفاوت از اندیشه علمای دینی که در دیدگاه شیخ هادی نجم آبادی از مشروطه خواهان عصر ناصری تبلور یافت را بررسی کنیم. براین اساس در ابتدا به بررسی شخصیت و معرفی شیخ می پردازیم و به بررسی تفکرات و اندیشه های سیاسی و مذهبی و مشی اخلاقی او می پردازیم و ارتباط شیخ را با برخی از جریانهای سیاسی آن دوران و متاثرین از اندیشه ها و آراء او را معرفی می کنیم.

این رساله از این حیث دارای اهمیت است که بر محورهای زیر تکیه و تأکید می کند.

۱- تبیین اهمیت عقلانیت سیاسی در دوران قاجارها

۲- شناخت افکار و آثار و اندیشه های یکی از روحانیون بلندپایه دوره قاجاریه یعنی شیخ هادی

نجم آبادی

۳- تاثیر اندیشه های اصلاحگرایانه در تقویت بنیان های مشروطه خواهی

فصل اول

کلیات

۱) سوالات یا فرضیه های تحقیق (بیان روابط بین متغیرهای مورد مطالعه)

سوال اصلی :

عقلانیت سیاسی که از طریق رساله تحریر العقلا دریافت می شود چه تاثیری بر اقدامات نوین از جمله تاسیس مدرسه و انقلاب مشروطه گذاشت؟

فرضیه :

تحریر العقلا و موضع گیریهای شیخ هادی بر تحولات نوین دوران ناصری بسیار تاثیر گذار بود.

متغیر مستقل :

اندیشه عقلانی شیخ هادی نجم آبادی

متغیر وابسته :

تحولات نوین

۲) چهار چوب نظری تحقیق

این رساله در پنج فصل دسته بندی می شود :

فصل اول (کلیات) : چکیده ، مقدمه در اهمیت موضوع و جنبه های کاربردی آن ، فرضیه ، سوال و متغیرها

فصل دوم : شناخت و تبیین اندیشه ها و شخصیت شیخ هادی از طریق گفته ها و نوشته های دیگران

فصل سوم : معرفی و تحلیل کتاب شیخ هادی (تحریر العقلا)

فصل چهارم : بررسی فرهنگ ناسالم و غیر عقلانی دوران قاجاری در زمان شیخ هادی نجم آبادی

فصل پنجم : تجزیه و تحلیل داده ها و نتیجه گیری

۳) روش تحقیق

روش تحقیق تحلیلی ، توصیفی ، کتابخانه ای و اینترنت

۴) متغیرها و واژه های کلیدی

عقلانیت ، بیداری ، مشروطه ، خرافه و اندیشه

فصل دوم

زندگی نامه شیخ هادی نجم آبادی

فقیه روشنفکر و قرآن پژوه سیاسی

شیخ هادی نجم آبادی (۱۲۵۰ق/۱۸۳۴م-۱۳۲۰ق/۱۹۰۲م) فقیه روشنفکر و قرآن

پژوه سیاسی

فضای فکری - سیاسی دوران ناصری

دوران پنجاه ساله سلطنت ناصرالدین شاه از دید اجتماعی و دگرگون شدن افکار سیاسی ایرانیان، در خور توجه است. از زمان فتحعلی شاه، بر اثر گشایش روابط با دولتهای اروپایی و انتشار اخبار انقلاب کبیر فرانسه و انقلابهای ۱۲۶۵/۱۸۴۸ در ایران، رفته رفته اندیشه ها و باورهای سیاسی تازه در ایران پدید آمد و محیط اجتماعی تا اندازه ای برای گسترش آنها آماده شد.

محیط اجتماعی به گونه ای مهیای پذیرش اندیشه های تازه گشته بود که به تعبیر ناصرالدین شاه و برخلاف خوشایند وی، چشم و گوش مردم باز شده بود. فضای فکری پیشین، فضایی بود که حتی شاه ایران از شناخت ارتباط انگلستان و لندن ناتوان بود و به سفیر خود در اسلامبول دستور می داد: «... اولاً بر ذمت تو لازم است که بدرستی تحقیق کنی وسعت ملک فرنگستان چقدر است؟ کسی به نام پادشاه فرنگ هست یا نه؟ و در صورت بودن، پایتختش کجاست؟ ثانیاً فرنگستان عبارتست از چند ایل شهر نشین یا چادر نشین؟ خوانین و سرکردگان ایشان کیانند؟ ثالثاً در باب فرانسه غوررسی خوبی بکن و ببین فرانسه هم یکی از ایلات فرنگ است یا گروهی و ملکی دیگر دارد؟ بنایارت نام کافری است که خود را پادشاه فرانسه می داند کیست و چکاره است؟ رابعاً در باب انگلستان تحقیق جداگانه و علیحده بکن و ببین اینان که در سایه ماهوت و قلمتراش این همه شهرت پیدا کرده اند، از چه قمناش مردم و از چه قبیل قومند؟ این که می گویند در جزیره ای ساکنند، بیلاق و قشلاق ندارند و قوت غالبشان ماهی است راست است یا نه؟ اگر راست باشد؟ چطور می شود که یکی در جزیره بنشیند و هندوستان را فتح کند؟»

... لیک بفهم که در میان انگلستان و لندن چه نسبت است؟ آیا لندن جزیی از انگلستان است یا انگلستان جزیی است از لندن». فتحعلی شاه مسلمان، آن گاه از روی تکلیف دینی به سفیر خود دستور می دهد: «در مقام تفحص و تحسس آن برآی که اسلم شقوق و احسن طرق برای هدایت فرنگیان گمراه به شاهراه اسلام و بازداشتن ایشان از اکل میتة و لحم خنزیر کدام است».

محمدحسن اعتمادالسلطنه در روزنامه خاطرات از گفتگوی خود با ناصرالدین شاه می نویسد: «عرض کردم در سلطنت فتحعلی شاه کاغذی ناپلئون به فتحعلی شاه نوشته بود در مسأله مهمی و کسی نبود ترجمه کند همان طور سربسته پس فرستاده شد حالا چهار- پنج هزار نفر در تهران، فرانسه دان هستند ... بندگان همایون فرمودند آن وقت بهتر از حالا بود. هنوز چشم و گوش مردم این طور باز نشده بود.»

ترور ناصرالدین شاه در ۱۳۱۳/۱۸۹۶ به گونه ای، نشانه پا نهادن ایران به دوران مدرن بود؛ دورانی که ده سال بعد به انقلاب مشروطه در ۱۳۲۴/۱۹۰۶ انجامید. قتل ناصرالدین شاه هرچند از دغدغه ها و نگرانیهای دینی مایه می گرفت، ولی در همان حال «شاه کشی» با انگیزه های لیبرالی گره می خورد. میرزا رضا کرمانی قاتل ناصرالدین شاه، با نگاه به تاریخ غرب در گذشتن از سنت و پیوستن به دوران تازه، در توجیه کار خود و در پاسخ به این پرسش قاضی که «آیا نمی دانستی که قتل شاه به آشوب و طغیان منجر می شود؟ گفت: «بله درست است، اما تاریخ فرنگ را نگاه کنید، اگر خون ریخته نمی شد هرگز به این جایگاه نمی رسیدند.»

با همه آمادگی ایران سنتی برای پذیرش آموزه های تازه، فضای کشور در سنجش با غرب، نامناسب و گرفتار کمبود و نارساییهای بسیار بود، زیرا اندیشه های نو، اندیشه هایی برخاسته از شرایط و الزامات جهان غرب پس از رنسانس و پا گرفتن اومانیسم و خردمحوری بود. سنت غربی تازه، حاصل برخورد و کشمکش میان انسان گرایی و دین بود، تا آن جا که به ادغای نیچه، دیگر خدایی وجود نداشت که همچون گذشته راهنمای انسان باشد؛ انسان می بایست با تکیه بر خرد خود راهش را بیابد؛ چنین اندیشه هایی، آنگاه که به ایران سنتی اسلامی وارد می شد، تبعات و عوارضی تولید می

کرد که مهمترین آنها لرزه ها و پس لرزه هایی در پهنه اندیشه های دینی بود. سازگار کردن آموزه های سنت تازه با آموزه های سنت ایرانی / اسلامی، مایه هنجارها و ناهنجاریهایی می شد.

به هر روی، مرگ ناصرالدین شاه و سپری شدن دوران ناصری، مشروطه را به ارمغان آورد. اما باید دانست در دوران ناصری بود که تخم مشروطه خواهی افشاند و آبیاری شد. به هر روی، پدیده مشروطه را از دید جامعه شناسی سیاسی هرچه بدانیم، جنبش یا انقلاب، بی گمان پدیده ای اتفاقی یا یک شبهه در جریان دیرپای دگرگونیهای سیاسی - اجتماعی ایران معاصر نبوده است. زنجیره رویدادهای مهمی چون شکست ایرانیان از روسیه، فرستاده شدن دانشجویان ایرانی به غرب و آگاهی آنان از تفاوت دامنه آزادی در ایران و کشورهای باختر زمین، فعالیت نیروهای روشنفکری در آگاهی بخشی به ایرانیان، جنبش بی مانند تحریک تنباکو به رهبری میرزای شیرازی و ... زمینه ساز مشروطه خواهی شد.

نقش رویکرد روشنفکرانه دینی در آگاهی بخشی و استبداد ستیزی

در دوره ای که برخی از روشنفکران ایرانی به این باور رسیده بودند که راه رسیدن به توسعه، تقلید از غرب و جداسازی دین از سیاست است، دسته ای دیگر، افکندن نگاهی نو به دین و فرهنگ سازی با تکیه بر منابع دینی را بهترین راه می دانستند. در این زمینه باید به اقدامات فرهنگی برخی از شخصیتها اشاره کرد که روند آگاهی بخشی را با تکیه بر متون و منابع دینی دنبال می کردند. به باور این دسته از اندیشمندان، دین به شرط آنکه به درستی دریافته شود، می تواند به آگاهی سیاسی مردمان بیانجامد. آنان سیاست را با عیار روشنفکرانه دینی می سنجیدند. منظور از روشنفکری دینی در این پژوهش، به گونه ساده، همان روندی است که محور کار آنان بوده و راهکاری که در برابر همعصران دینی و غیردینی خود به دست می داده اند، همچون فرارفتن از تفسیر تحت اللفظی قرآن کریم و دیگر نصوص دینی، عقل گرایی در فهم آیات و روایات، و به تبع آن مبارزه با خرافات و بدعتهای دینی که بر اسلام اصیل و اولیه عارض شده است، مراجعه مستقیم به آیات قرآن و نقد جدی بر اسلام تاریخی، به کار بستن اصل تسامح و تساهل، پرداختن به روشهای نو در زمینه آموزش و پرورش که پیامد آن ایجاد نهادهایی همچون مدارس جدید و در نتیجه، آگاهی سیاسی و فرهنگی

مردمان در زمینه لزوم مبارزه با استبداد و آشنایی آنان با حقوقشان و ... براین اساس است که به نجم آبادی بعنوان یکی از پایه گذاران این روش در تاریخ معاصر ایران، می پردازیم.

او از شخصیت‌های اثرگذار در پا گرفتن جنبش مشروطه خواهی و دگرگونی‌های سیاسی- اجتماعی پس از آن است که ناشناخته یا کمتر شناخته شده مانده است. او «قرآن پژوهی» را اساس کار خود قرار داده بود.

نجم آبادی از روحانیون آزاده تهران بود. او در ۱۲۵۰ قمری (۱۲۱۴ خورشیدی) در نجم آباد زاده شد. در دوازده سالگی برای تحصیل علوم فقهی و دینی به نجف اشرف رفت. در ۱۲۸۰ قمری، یعنی در سی سالگی، به تهران آمد و امامت و حکومت شرعی و موقوفات خانوادگی را عهده دار شد. سرانجام در ۱۳۲۰ قمری درگذشت. وی در بیدارسازی مردمان، شیوه خاص خود را داشت. خانه وی به صورت دانشگاهی درآمد بود که به تعبیر رضا کرمانی، در آن به «آدم سازی» می پرداخت: «پسین هر روز جلو درگاه خانه ی خویش می نشست و مردم را از هر گروه و آئین، رجال دولت، دانشجویان، شاهزادگان، شاعران، از سنی و شیعی و بابی، آمریکاییان، یهود، علی الهی و غیره را پذیرفته و با همه ی آنها با کمال آزادی در مسائل گوناگون بحث می نموده است ... مردم را به شک می انداخت و عقاید موهوم را نابود می کرد و آلتی برای بیداری گروه بزرگی از اجتماع بود که بعدها قهرمان آزادی ایران شدند».

وی بسیار مستعد بود. زبانی سخنگو و حافظه ای نیرومند داشت تا به آن اندازه که معروف بود در رشته های مختلف علوم دینی هیچکس توانایی مباحثه با او را ندارد و در برابر وی تاب نمی آورد. گویند که وی سراسر شرایع الاسلام محقق حلی را که (قرآن الفقه) خوانده می شد از بر داشته و آنرا تقریر و تدریس می کرده است.

نجم آبادی روحیه ای منتقد نسبت به اوضاع داشت. براون می نویسد: «با آن که کارکنان بلند پایه ی دولت و حتی خود ناصرالدین شاه بنا به احترامی که برای شیخ هادی قائل بودند به دیدن وی به خانه اش می رفتند، او سخت از آنان انتقاد می کرد.» شجاعت سیاسی وی تا بدانجا بود که برای قاتل

ناصرالدین شاه مجلس بزرگداشت برپا کرد. «در دوازدهم ربیع الثانی ۱۳۱۴ که چهل روز از اعدام میرزا رضا می گذشت، در نزدیکی خانه حاج شیخ هادی نجم آبادی، چهلم میرزا رضا را گرفتند. نجم آبادی آقا میرزا حسن کرمانی با آقا شیخ محمدعلی دزفولی و بعضی از اجزاء شیخ هادی، چهلم میرزا رضا را گرفتند. سال میرزا رضا را نیز حاج شیخ هادی نجم آبادی گرفت. او از امین الدوله دعوت نمود و مجلسی گذاشت که حاضرین آن سه نفر بودند. شخص حاج شیخ هادی و امین الدوله و یکی از محارم شیخ هادی. طعام آن مجلس را خود حاج شیخ هادی مهیا نمود که طبخ حضوری کرده بود.»

نجم آبادی تاثیر چشمگیر بر تحولات در ایران یعنی در دوران مشروطه خواهی و حتی پس از آن داشته، اما شخصیت او و نقشش کمتر مورد توجه قرار گرفته است. عبدالهادی حائری در مورد نقش وی می نویسد: «تعلیمات شیخ هادی نجم آبادی به بیداری ایرانیان و پراکندن اندیشه های نو کمک فراوانی کرد. گرچه کتابش تحریرالعقلاء چندسالی پس از انقلاب مشروطه چاپ و پراکنده شد ولی مطالب آن سال ها پیش از انقلاب، به وسیله ی خود شیخ هادی معمولاً در آستانه ی منزل او به مردم گفته می شد.» محیط مافی مولف کتاب مشروطیت، که از روزنامه نگاران دوران قاجار است در مورد این نقش آفرینی می نویسد: «مرحوم شیخ هادی نجم آبادی یکی از علمای روشنفکر بود. اغلب رجال و مردمان فکور دور آقا جمع می شدند. در ضمن بیانات و تقریرات خودشان را با مزاح و کلماتی برای بیداری اشخاص و تنبه آنها اظهار و بیان می نمودند. جز ایشان که خیلی مورد توجه و تقدیر عامه مردم بودند کسی قدرت این قبیل بیانات را نداشت. بدین وسیله کمک بزرگی به بیداری و فهم اهالی می نمودند. مردم را از خواب غفلت بیدار و به حقوق ملی خودشان آشنا می کردند.» وی می افزاید «به جز محفل صفی علی شاهی و درب منزل نجم آبادی دیگر در سایر مجامع سخنی از بیداری ملت گفته نمی شد، مگر در انجمن های سری. چند نفری آن هم خیلی محرمانه و در پرده که مباد به گوش ناصرالدین شاه برسانند و آن ها را اعدام نمایند.»

شیخ هادی نجم آبادی کیست؟